

## دفتر طالبان در قطر؛ بازی جدید یا بازگشت از خشونت به مدنیّت؟

گشایش رسمی دفتر طالبان در قطر (18 جون 2013 برابر به 28 جوزای 1392) همزمان با انتقال مسئولیت های امنیتی و رهبری تمامی عملیات نظامی امنیتی از نیروهای امریکا و ناتو به نیروهای افغانستان یک خبر مهم در تحولات نظامی-سیاسی پس از سقوط امارت طالبان است. آیا گشایش دفتر طالبان در قطر گره کور بحران افغانستان را می گشاید و طالبان را بمثابة ی یک گروه افراط گرای ستیزه جو، جزم اندیش، خشونتگرا و نابردبار بسوی کثرت گرایی، تسامح و مدنیّت پذیری می کشاند؟ آیا دفتر طالبان در قطر مرحله ی جدید بازی از سوی بازیگران منطقه ای و بین المللی بر سر افغانستان است؟ دولت افغانستان بریاست حامد کرزی در کجای این تحول و یا این بازی قرار دارد؟ نقش پاکستان به عنوان میزبان اصلی طالبان در گشایش دفتر قطر چیست؟

اگر بحث بر سر گشایش دفتر طالبان را از پاسخ به آخرین پرسش از نقش پاکستان آغاز کنیم، به دیدگاه های متفاوتی در این مورد بر میخوریم. برخی از تحلیلگران دفتر قطر را نشانه ی ضعف و ناکامی پاکستان تلقی میکنند که با تشکیل دفتر طالبان در قطر دست پاکستان از دخالت و تأثیر تعیین کننده بر روند حل بحران افغانستان کوتاه می شود. اما حضور نمایندگان آن بخش از طالبان که به شورای کویت معروف است و اهتزاز پرچم امارت طالبان بگونه نمادین توسط هیئات این گروه در دوحه حکایت دیگری را بازگو میکند. طالبان پس از یک دهه جنگ با حمایت پاکستان در برابر دولت کرزی، ناتو و امریکا همان بیرق امارت طالبی خود را که قبل از آن از سوی پاکستان به عنوان دولت مشروع و قانونی افغانستان به رسمیت شناخته شده بود، دو باره در پایتخت قطر بر افراشتند. نکته مهم این است که مسئولیت این دفتر فقط در دست شورای کویت است که بدنه ی اصلی طالبان برهبری ملا عمر را تشکیل میدهد و در حمایت و نظارت ارتش پاکستان و سازمان اطلاعاتی آن آی.اس.آی قرار دارد. در حالی که بسیاری از طالبان سرکش و مخالف سیاست های پاکستان در زندان های آن کشور به سر میبرند و حتا التماس حکومت کرزی در رهایی آنها توسط اسلام آباد ناشنیده باقی ماند.

مطالبه ی وزارت خارجه افغانستان از اسلام آباد مبنی بر رهایی طالبان زندانی دو روز پس از گشایش دفتر قطر حاکی از نقش و اثرگذاری اسلام آباد بر دفتر قطر است که طالبان مورد حمایت و اعتماد خود را روانه این دفتر کرده اند. بر عکس، این تقاضای دولت افغانستان از اسلام آباد مبنی بر رهایی آن زندانیان طالب که به باور این دولت در مذاکرات صلح قطر نقش مهمی می توانند ایفا کنند نشان از انزوای کابل در روند تشکیل دفتر طالبان دارد.

افتتاح دفتر طالبان در دوحه با شرکت معاون وزیر خارجه قطر، برافراشتن پرچم دوران حکومت طالبان به نام امارت اسلامی افغانستان بگونه نمادین و تشریفاتی و اظهارات نمایندگان طالب در این مراسم برای دولت افغانستان برهبری حامد کرزی بسیار تحقیر آمیز و توهین کننده بود. این رویداد ها حکایت از آن داشت که دولت افغانستان برهبری حامد کرزی و شورای عالی صلح در روند تشکیل دفتر طالبان در قطر نقش و جایی نداشت. علی رغم آنکه رئیس جمهور کرزی در تمام سالهای حکومتش با سیاست التماس و تضرع به سختی تلاش کرد تا جای پای در میان طالبان باز کند. در حالی که طالبان به انتحار و کشتار ادامه دادند و حتی سرهای اطفال را به بهانه ی جاسوسی برای حکومت کرزی بریدند اما رئیس جمهور کرزی طالبان را برادر خواند و از آنها آدرس گفتگو خواست. اما طالبان در آدرس جدید شان در دوحه در حضور معاون وزیر خارجه قطر که کشورش محل استقرار فرماندهی عمومی نیروهای امریکایی در قاره ی آسیا است افغانستان را اشغال شده خواندند و هیچ یاد آوری از چیزی بنام دولت افغانستان نداشتند. طالبان پس از گشایش دفتر قطر کنفرانس مطبوعاتی برپا کردند و برای خبرگزاری های جهان با انتشار خبرنامه ای از دیدگاه و اهداف خود در مورد این دفتر سخن گفتند. آنها در نشست خبری و خبرنامه خود نجات افغانستان را از اشغال امریکایی ها و ناتو و جبهه دینی خواندند و تنها از مذاکره با امریکا و کشورهای خارجی به عنوان طرف اصلی جنگ سخن گفتند. جالب این است که نمایندگان طالب در دوحه دفتر خود را نه مکان مذاکره برای صلح، بلکه جای ارتباط برای بهبود و گسترش روابط با دنیای بیرون خواندند.

حکومت رئیس جمهور کرزی که پس از افتتاح دفتر طالبان در قطر احساس حقارت و سرخوردگی میکرد با واکنش تند و خشم آلود از اعزام هیئات شورای عالی صلح غرض مذاکره اجتناب ورزید و گفتگو با امریکایی ها را بر سر توافقات پیمان امنیتی به حالت تعلیق در آورد. هرچند طالبان شاید تحت فشار میزبانان عرب خود نوشته امارت اسلامی را از دفتر نمایندگی خویش برداشتند و بیرق امارت طالبی را اندکی پایین کشیدند، اما بیرق همچنان در اهتزاز باقی ماند و طالبان کماکان بر طبل جنگ و کشتار کوبیدند و نگاه خود را بسوی رئیس جمهور کرزی و حکومت او به عنوان دست نشانده و نامشروع تغییر ندادند.

غیبت حکومت رئیس جمهور کرزی از شکل گیری دفتر طالبان و به ویژه در روز افتتاح دفتر و در بیانات مطبوعاتی طالبان برغم آنکه رئیس جمهور از منادیان و مشتاقان اصلی تشکیل و گشایش چنین دفتری برای برادران طالبش بود و سیاست غیر شفاف و دو گانه ی امریکایی ها و غربی ها در مورد طالبان حکایت از یک بازی دیگر در صحنه ی بازی بر سر افغانستان دارد. آیا مجوز کرایه ی یک ساختمان از سوی حکومت قطر در شهر دوحه برای طالبان جهت مذاکرات صلح، نیازمند حضور معاون وزیر خارجه این کشور و برافراشتن تشریفاتی و نمادین پرچم حکومت طالبانی بنام امارت اسلامی افغانستان بود؟ شکل گیری این رویداد قبل از آنکه یک حرکت صادقانه در جهت گفتگوی صلح باشد، یک ریاکاری آشکار و بازی جدید بر سر افغانستان است که صلح و ثبات را پیچیده تر و دشوار تر میسازد.

صرف نظر از موضع گیری های ستیزه جویانه و دیدگاه های خشونت گرایانه ی طالبان در قطر و قطع نظر از نگاه و نقش پاکستان و سیاست امریکایی ها در مورد رویداد تشکیل دفتر طالبان، آیا ایجاد این دفتر و رویکرد معطوف به گفتگو از سوی طالبان، تفکر تکفیر گرای و انتحاری طالبانی را بسوی اندیشه ی کثرات گرای و کثرت پذیری سیاسی و مدنیت متحول خواهد ساخت؟ اگر دفتر قطر بتواند چنین تحولی را در افکار و ذهنیت طالبان ایجاد کند و آنها را از سر بریدن و انتحار بسوی مدنیت و مبارزات سیاسی و مدنی بکشانند، یک پیروزی مهم برای صلح و ثبات در افغانستان است. آیا میزبانان عرب طالبان و به ویژه حلقه های مختلف آنها در حاکمیت و جامعه که خود تولید گر و هزینه پرداز تفکر تکفیر گرای و خشونت پروری طالبان و القاعده هستند، در جهت تحول تفکر طالبان از خشونت به مدنیت گام بر خواهند داشت؟ آیا تعارض و خصومت های حاکمان و حلقه های سیاسی و مذهبی اعراب با حکومت شیعه ولایت فقیه در تهران و بالعکس به توافق و تعادل در میدان افغانستان و بر سر طالبان می انجامد؟ پاکستان در این روند به عنوان عامل مهم در جنگ و صلح افغانستان با کدام رویکرد و سیاست نمایان می شود؟ و آیا امریکایی ها با متحدین غربی شان دفتر طالبان را در قطر به دفتر گفتگو در جهت صلح و ثبات افغانستان مبدل خواهند ساخت؟